



## فصلنامه علمی چشمانداز مدیریت دولتی

### Journal of Public Administration Perspective

**عنوان مقاله:** مدل سنجش میزان تمایل خطمشی گذاران به دولت باز در ایران

**Article Title:** A Model for Measuring the Willingness of Policy Makers to Open Government in Iran

**نویسندگان:** نوشین مؤمن کاشانی، فرج‌اله رهنورد، مهدی مرتضوی و محمود شیرازی

**Authors:** Noushin Momen Kashani, Farajollah Rahnavard, Mahdi Mortazavi & Mahmoud Shirazi

**روش رفرنس‌دهی به این مقاله:** مؤمن کاشانی، نوشین، رهنورد، فرج‌اله، مرتضوی، مهدی و شیرازی، محمود (۱۳۹۹). مدل سنجش میزان تمایل خطمشی‌گذاران به دولت باز در ایران. چشمانداز مدیریت دولتی، ۱۱(۲)، ۳۵-۶۴.

**To Cite This Article:** Momen Kashani, N., Rahnavard, F., Mortazavi, M., & Shirazi, M. (2020). A Model for Measuring the Willingness of Policy Makers to Open Government in Iran. Journal of Public Administration Perspective, 11(2), 35-64.

تاریخ چاپ: ۱۳۹۹/۰۴/۰۱

ناشر: ایران - تهران - دانشگاه شهید بهشتی - دانشکده مدیریت و حسابداری

**Publication Date:** 2020/June/21

**Publisher:** Iran - Tehran - Shahid Beheshti University - Faculty of Management & Accounting

شاپا چاپی: ۶۰۶۹-۲۲۵۱، شاپا الکترونیکی: ۴۱۵۷-۲۶۴۵  
ص ۳۵ - ۶۴

## مدل سنجش میزان تمایل خطمشی گذاران به دولت باز در ایران

نوشین مؤمن کاشانی<sup>۱</sup>، فرج‌اله رهنورد<sup>۲\*</sup>، مهدی مرتضوی<sup>۳</sup>، محمود شیرازی<sup>۴</sup>

۱. دانش‌آموخته دکتری مدیریت دولتی - سیاست‌گذاری عمومی، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ایران، تهران.
۲. گروه مدیریت دولتی، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ایران، تهران.
۳. گروه مدیریت صنعتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، ایران، تهران.
۴. گروه مدیریت صنعتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، ایران، تهران.

### چکیده

**هدف:** دولت باز به‌عنوان یک خطمشی در جهت تقویت شفافیت، مشارکت و همکاری، در سرتاسر جهان در حال گسترش است. از آنجاکه برای حرکت به‌سوی خطمشی‌گذاری و تدوین خطمشی‌های دولت باز، میزان تمایل خطمشی‌گذاران به دولت باز تعیین‌کننده است، هدف از این پژوهش ارائه مدلی برای سنجش میزان تمایل خطمشی‌گذاران به دولت باز و بررسی تفاوت سطح تمایل به دولت باز در گروه‌های مختلف خطمشی‌گذاران است.

**طراحی / روش‌شناسی / رویکرد:** در این پژوهش از طرح پژوهش آمیخته اکتشافی استفاده شده است که در مرحله کیفی، روش فراترکیب و در مرحله کمی، انجام پیمایش و تحلیل داده‌های پرسشنامه ۱۱۶ نفر از خطمشی‌گذاران به‌کار گرفته شده است.

**یافته‌های پژوهش:** «تمایل به دولت باز» سازه‌ای چندبعدی است و عبارت‌است از: میل و رغبت خطمشی‌گذار نسبت به شفافیت، مشارکت شهروندان، همکاری، پاسخگویی دولت و پشتیبانی از نوآوری و کمک به توسعه کسب‌وکار. به‌علاوه نتایج حاکی از آن است که سطح تمایل خطمشی‌گذاران به دولت باز در ایران بالا است و میزان تمایل به دولت باز در میان گروه‌های سنی مختلف، گروه‌های دارای جایگاه فعلی مختلف و گروه‌های مختلف از نظر نحوه آشنایی با دولت باز متفاوت است.

**محدودیت‌ها و پیامدها:** عدم‌امکان تعمیم‌پذیری نتایج پژوهش به همه جوامع و محدودیت ذاتی پرسشنامه از جمله محدودیت‌های پژوهش فعلی است.

**پیامدهای عملی:** نیاز به برخورداری از یک نظام حاکمیتی کارآمد، شفاف، پاسخگو و مبتنی بر مشارکت مردم انکارناپذیر است. با توجه به چالش‌های موجود در موضوع‌های نام‌برده در کشور، این پژوهش به طراحی مدل مطلوب دولت باز برای ایران و تحقق ارزش‌های یادشده کمک خواهد کرد.

**ابتکار یا ارزش مقاله:** دولت باز و داده باز، مفاهیم نو و جدیدی هستند و پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه در کشور بسیار اندک است؛ از این‌رو این پژوهش می‌تواند آغازگر باب جدیدی در تولید علم در کشور در این حوزه باشد و این شکاف مطالعاتی را از طریق ارائه مدل یادشده به‌عنوان نخستین مدل در این زمینه پر می‌کند.

**کلمات کلیدی:** خطمشی عمومی، دولت باز، شفافیت، پاسخگویی، مشارکت شهروندان.

**نوع مقاله:** مقاله علمی.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۵/۳۰، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۱/۲۹.

\* نویسنده مسئول.

E-mail addresses: n.kashani@imps.ac.ir; f.rahnavard@imps.ac.ir; m.mortazavi@modares.ac.ir; m-shirazi@sbu.ac.ir

## ۱. مقدمه

در سال‌های اخیر، تعداد نهادهای منتشرکننده خطمشی‌های دولت باز یا ایجادکننده پلتفرم‌های دیجیتال مرتبط با دولت باز رو به افزایش است (De Blasio & Selva, 2019). مفهوم دولت باز به انتشار اطلاعات برای اجرای کارآمد امور مردمی و ارائه خدمات عمومی با کیفیت‌تر و ارزان‌تر اشاره دارد. برای دستیابی به این هدف، مفهوم دولت باز با سه عامل اصلی شفافیت، مشارکت و همکاری توضیح داده شده است و پژوهشگران مختلف برای تسهیل دستیابی هدف دولت باز، روابط این سه عامل اصلی را بررسی و تحلیل کرده‌اند.

از سال ۲۰۰۹ و با تأکید رئیس‌جمهور وقت آمریکا، مفهوم دولت باز، توجه بسیاری را در دنیای پژوهشی و همین‌طور در میان عموم مردم به خود جذب کرد تا دولت‌هایی شفاف ایجاد شوند که به دنبال جذب مشارکت شهروندان در اداره امور هستند. مفهوم دولت باز در سایر نقاط دنیا نیز مانند کشورهای عضو اتحادیه اروپا، نیوزیلند، چین، روسیه و استرالیا از محبوبیت زیادی برخوردار شده است (Lee & Kwak, 2012). دولت باز برای اجرای درست همانند بسیاری از مفاهیمی دیگر، احتیاج به یکسری از کارکردها و ایجاد فرهنگ مناسب دارد (Ruijter & Huff, 2016). در پی پاسخگویی به علایق شهروندان به دسترسی سریع، آسان و مؤثر به انواع خدمات و داده‌های دولتی و از سوی دیگر فراهم‌سازی امکان همکاری و مشارکت مردم در بخش دولتی و در پی آن ایجاد کسب‌وکارهای نوین، کشورهای متعددی به رویکردی جدید در ارائه خدمات دولت الکترونیک با آزادسازی داده پرداخته‌اند که به نام «سکوهای چندوجهی دولت باز» نیز شناخته می‌شوند. سکوهای چندوجهی در حوزه دولت شامل سکوهای داده باز و سکوهای ارائه‌دهنده خدمات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری پایه پشتیبانی‌کننده از فرآیندهای اداری و نیز سکوهای توسعه‌دهنده خدمات دولت الکترونیکی است. توسعه سکوها در حوزه دولت الکترونیکی تا حدی است که در بسیاری از کشورهای پیشرو، برنامه‌های دولت الکترونیکی با هدف «دولت به‌عنوان سکو» مورد توجه قرار گرفته است و بیش از نیمی از کشورهای دنیا در مراحل مختلف اجرای سکوهای دولتی هستند تا از فرصت‌های فراوان کسب‌وکار، اشتغال و درآمد برای مردم و دولت بهره‌مند شوند. به همین دلیل در چند سال گذشته، پایگاه داده و پورتال‌های دولتی که زمینه مشارکت شهروندان در امور عمومی و ارائه بازخورد به دولت را فراهم می‌کنند، به‌عنوان گل سرسید برنامه‌های دولت باز ظهور کرده‌اند (Lourenço, 2015).

نکته آنجا است که بدون ایجاد حاکمیت الکترونیک و بهره‌گیری از ابزارهای مبتنی بر اینترنت هرگز نمی‌توان داده‌های دولتی را به‌صورت کلی در دسترس جامعه مدنی قرار داد. پس شفاف‌سازی الکترونیک است که می‌تواند عموم مردم را به بررسی عملکرد دولت تشویق کند و بدین ترتیب زمینه پاسخگویی دولت را فراهم آورد تا مشارکت و همکاری جامعه مدنی در اداره

امور به‌درستی شکل گیرد (Armstrong, 2005; Behn, 2001; Bovens, 2007; Wong & Welch, 2004). با توجه به نبودن مفهوم دولت باز، علی‌رغم سابقه طولانی ابعاد آن از جمله شفافیت، مشارکت و همکاری در مابین نظری اداره امور دولتی و خطامشی‌گذاری عمومی، می‌توان ادعا کرد که یکی از پیش‌نیازهای خطامشی‌گذاری و تدوین خطامشی‌های دولت باز، میزان تمایل خطامشی‌گذاران به دولت باز است. در این راستا، پژوهش حاضر در پی ارائه مدلی برای سنجش میزان تمایل خطامشی‌گذاران به دولت باز و همچنین بررسی تفاوت سطح تمایل به دولت باز در گروه‌های خطامشی‌گذاران از منظر سن، سطح تحصیلات، جایگاه فعلی خطامشی‌گذار، دیدمان سیاسی، میزان آشنایی با دولت باز و جنسیت است. در این پژوهش منظور از خطامشی‌گذار، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعم از نمایندگان فعلی و نمایندگان ادوار و همچنین مدیران دولتی با سابقه خطامشی‌گذاری است.

## ۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر اصطلاح «دولت باز» به‌طور فزاینده‌ای برای تأکید بر اهمیت همکاری و مشارکت در موضوع‌های دولتی استفاده شده است (Born, et al., 2019) و به‌کارگیری دولت باز برای بهره‌مندی از مزایا و منافع مختلفی که هم برای دولت و هم برای شهروندان به‌دنبال دارد، پیشنهاد شده است (Schmidhuber, et al., 2019). از نظر برخی از پژوهشگران از جمله داوز<sup>۱</sup> (۲۰۱۰)، نم<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) و انگرامز<sup>۳</sup> (۲۰۱۸)، ایده دولت باز به لحاظ علمی و تاریخی چیز جدیدی نیست؛ بلکه این مفهوم مجموعه‌ای از دانسته‌ها و ایده‌های مختلف از قبیل دسترسی آزاد به اطلاعات، مبارزه با فساد و شفافیت را در خود دارد (Andhika, 2017).

وینستن و همکاران (۲۰۱۲)، معتقدند وضوح معانی متمایز از داده باز و دولت باز به نفع همه است؛ اما اهمیت برقراری ارتباط بین این دو مفهوم نیز روزبه‌روز بیش از گذشته روشن می‌شود. به همین دلیل در حال حاضر تلاش‌ها برای هم‌سو کردن این مفاهیم در حال گسترش است. درحالی‌که در مفهوم دولت باز به شفافیت اهداف و خطامشی‌ها توجه ویژه‌ای می‌شود، اثر فناوری، نوآوری و داده باز در اجرای صحیح دولت باز پررنگ‌تر شده است؛ بنابراین می‌توان گفت: «دولت باز مفهومی است که به شفافیت عملکرد دولت اهمیت ویژه‌ای می‌دهد و فناوری، نوآوری و داده باز را در این زمینه بسیار مفید می‌داند» (Weinstein & Goldstein, 2012).

نوک (۲۰۱۱)، دولت باز را یک استراتژی نوین برای ایجاد تغییر در نحوه عملکرد دولت می‌داند. از نظر وی دولت با انتشار داده‌های باز برای مطلع کردن جامعه مدنی از کارکردهای

1. Dawes  
2. Nam  
3. Ingrams

دولتی و همین طور استفاده از فناوری شبکه‌ای به منظور ایجاد ارتباط بین مردم و دولت از مردم می‌خواهد که در حل مشکلات کمک کنند؛ به همین دلیل توجه به مفهوم دولت باز باعث ایجاد دموکراسی‌ای استوارتر خواهد شد (Noveck, 2011). از نظر هلر<sup>۱</sup> (۲۰۱۲)، دولت باز از ۳ عنصر اصلی تشکیل شده است:

- شفافیت اطلاعات: این عنصر مردم را قادر می‌سازد تا از نحوه عملکرد دولت مطلع شوند. عنصر شفافیت در بردارنده انتشار داده باز، انتشار داده کلان و ایجاد پورتال‌های دولتی به منظور مطلع کردن مردم از حقوق و مزایای مسئولان دولتی، بودجه‌بندی و یا عملکرد مالی دولت است؛ - مشارکت مردمی: بدین ترتیب جامعه مدنی می‌تواند بر تصمیم‌های دولتی و فرآیند خطامشی‌گذاری عمومی اثرگذار باشد؛

- پاسخگویی: این عنصر مردم را قادر می‌سازد تا از دولت بخواهند در مقابل تصمیم‌های اخذ شده و خدمات ارائه شده پاسخگو باشد.

در برنامه عملیاتی دولت کانادا در زمینه دولت باز (۲۰۱۴)، دولت باز به شفافیت و پاسخگویی بهتر دولت اشاره دارد تا از این طریق دموکراسی تقویت شود، نوآوری ترویج یابد و فرصت‌های اقتصادی برای تمامی شهروندان کانادا شکل گیرد. تعهد به مفهوم دولت باز، بخشی از تلاش‌های دولت فدرال برای ترویج شفافیت و پاسخگویی است تا فرصت‌های اقتصادی بیشتری برای جامعه مدنی شکل بگیرد و در آن واحد، دولت کانادا کارآمدتر و پاسخگوتر شود. تلاش‌های دولت کانادا در راستای دولت باز روی سه عامل اصلی تعریف شده است: اطلاعات باز؛ داده باز و گفت‌وگوی باز. با فراگیرتر شدن نوآوری، دولت‌ها سعی می‌کنند داده‌ها را به صورت آنلاین منتشر کنند تا افراد بیشتری بتوانند به آن‌ها دسترسی داشته باشند. به همین دلیل موضوع‌های دموکراسی الکترونیک، مشارکت الکترونیک یا دولت الکترونیک نیز جزو مفاهیمی محسوب می‌شوند که در دنیای حاضر بسیار مورد توجه هستند. با توجه به مطالب مطرح شده، اصول اساسی راهبرد دولت باز کانادا به صورت زیر خواهد بود (Canada's Action Plan on Open Government 2014-16, 2014):

- تعهد دولت در تمامی سطوح به ایجاد تغییر فرهنگی در راستای مفهوم دولت باز باید مشهود باشد. دولت‌ها باید سعی کنند برنامه‌های استواری را تدوین کرده و اجرای آن‌ها را پیگیری کنند تا تضمین شود که سازوکارهای دستیابی جامعه مدنی به اطلاعات دولتی فراهم آمده است و دولت می‌تواند پاسخگوی عملکرد خود باشد.

1. Heller

- دولت باید با جامعه مدنی مشورت کند تا مشخص شود که شهروندان به چه اطلاعات دولتی نیاز دارند تا بتوانند عملکرد دولت را ارزیابی کنند. این مشاوره‌ها باید مبنای انتشار داده‌های دولتی را تعیین کنند.
  - داده باز در دسترس و با قابلیت استفاده مجدد باید همواره مورد توجه دولت باشد. اطلاعات باید بدون هزینه در دسترس عموم مردم قرار گیرد. دولت‌ها باید با شهروندان همکاری کرده و مردم، سازمان‌های غیردولتی و کسب‌وکارها را نسبت به توسعه و پیشینه‌سازی استفاده از فناوری تشویق کند.
- گایگر و ون لوک<sup>۱</sup> (۲۰۱۲)، معتقدند دولت باز به‌عنوان یک اصطلاح چترمانند برای ایده‌ها و مفاهیم متعدد و مختلف عمل می‌کند. تعریف دقیق از دولت باز شامل شفافیت، مشارکت و همکاری حکومت نسبت به نقش‌آفرینان سوم<sup>۲</sup> در اقتصاد یا شهروندان است. اندیکا (۲۰۱۷)، تعریف‌های مختلف دولت باز را به صورت جدول ۱، خلاصه کرده است. بررسی تعریف‌های مختلف از دولت باز نشان می‌دهد که بیشتر پژوهشگران بر شفافیت، مشارکت و همکاری به‌عنوان اجزای اصلی دولت باز اتفاق نظر دارند و برخی از پژوهشگران پاسخگویی و نوآوری در کسب‌وکار را نیز در تعریف خود از دولت باز در نظر گرفته‌اند. به‌علاوه داده باز و استفاده از فناوری‌های مبتنی بر وب ۲٫۰، مبنایی برای دولت باز محسوب می‌شود.

جدول ۱. تعریف‌های مختلف دولت باز (Andhika, 2017)

صاحب‌نظر	تعریف
دبلسیو و سلوا <sup>۳</sup> (۲۰۱۶)، اینگرمز <sup>۴</sup> (۲۰۱۸)، لورنزو <sup>۵</sup> (۲۰۱۵)، تاف <sup>۶</sup> (۲۰۱۱)، ورثی <sup>۷</sup> (۲۰۱۵)	خط‌مشی‌های دولت باز در خصوص شفافیت، مشارکت، پاسخگویی، همکاری و فناوری دیجیتال
کت لاو و سندبرگ <sup>۸</sup> (۲۰۱۴)، کارالابیدیس، الکسوپلس و لوکیس <sup>۹</sup> (۲۰۱۶)، ورتز و همکاران (۲۰۱۷)، یانگ و همکاران <sup>۱۰</sup> (۲۰۱۵)	فرایند چندجانبه، سیاسی و اجتماعی که عمدتاً شامل اقدامات شفاف، مشارکتی و مبتنی بر همکاری دولت و اداره امور عمومی می‌شود.
میجر <sup>۱۱</sup> و همکاران (۲۰۱۲)، نام <sup>۱۲</sup> (۲۰۱۲)	دولت باز به‌طور گسترده‌ای از فناوری‌های اطلاعاتی برای ایجاد گفت‌وگوی مبتنی بر مشارکت و همکاری میان خط‌مشی‌گذاران و شهروندان استفاده می‌کند.

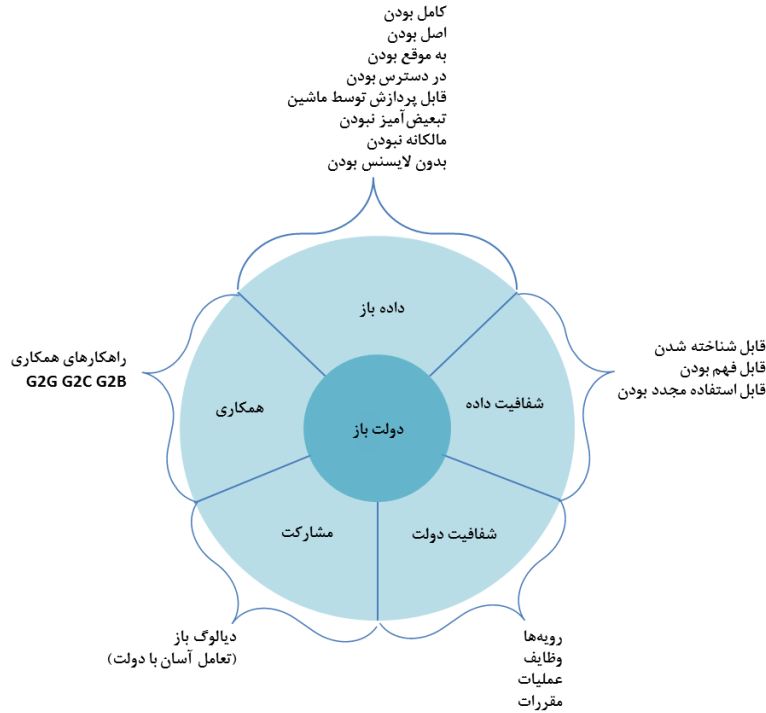
1. Geiger & Von Lucke
2. Third Actors
3. De Blasio & Selva
4. Ingrams
5. Lourenço
6. Tough
7. Worthy
8. Catlaw & Sandberg
9. Charalabidis, et al.
10. Yang, et al.
11. Meijer
12. Nam

صاحب نظر	تعریف
اتارد <sup>۱</sup> (۲۰۱۵)	به طور کلی، سه دلیل عمده برای بازکردن داده‌های دولت وجود دارد: شفافیت، آزادسازی ارزش اجتماعی و تجاری و حاکمیت مشارکتی.
ونگ و لو <sup>۲</sup> (۲۰۱۶)، زایدرویک و جانسن <sup>۳</sup> (۲۰۱۴)	درک داده باز دولتی (OGD) از سه دیدگاه: ۱. خطامشی گذاری؛ ۲. اجرا؛ و ۳. تأثیر.

در پژوهش ولجکویک<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۱۴)، مدلی برای سنجش دولت باز و کاربردهای آن از منظر داده باز و با استفاده از پورتال داده باز ایالات متحده<sup>۵</sup> ارائه شده است. برای سنجش از یک مدل مفهومی استفاده شده است که دولت باز را به واسطه بازبودن داده، شفافیت، مشارکت و همکاری توصیف می‌کند. مدل مفهومی در شکل ۱ ارائه شده است. یکی از اجزای این مدل، داده باز است که باید ویژگی‌های کامل بودن، اصل بودن، به موقع بودن، در دسترس بودن، قابل پردازش توسط ماشین، تبعیض آمیز نبودن، مالکانه نبودن و بدون لیسانس بودن را دارا باشد. پژوهشگران معتقدند شفافیت از اجزای حیاتی دولت باز است و آن را به دو شکل «شفافیت داده» و «شفافیت دولت» در نظر می‌گیرند. منظور از شفافیت دولت، شفافیت در عملیات، رویه‌ها و وظایف دولت است که ابزاری برای رسیدن به پاسخگویی محسوب می‌شود. منظور از شفافیت داده، شفافیت داده‌هایی است که دولت ارائه می‌کند و در واقع اطمینان از شناخته شده بودن، قابل فهم بودن، دسترس پذیری و بازبودن برای همه است. مشارکت به شهروندان کمک می‌کند تا در فرایندهای دموکراتیک حضور یابند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد تعامل بین دولت و شهروندان، ستون اصلی جوامع دموکراتیک است. استفاده از رسانه‌های اجتماعی و سایر روش‌های ساده تعاملی برای ارتباط با شهروندان کمک می‌کند تا آن‌ها ایده‌های خود را به اشتراک بگذارند و بازخوردهای ارزشمند خود را در مورد موضوع‌های مختلف ارائه دهند و در فرایندهای خطامشی گذاری مشارکت داده شوند. همکاری نیز به عنوان یکی دیگر از اجزای دولت باز به تصمیم‌گیری‌های پاسخگویانه‌تر که مبتنی بر همکاری جمعی و بازخورد شکل می‌گیرد، کمک می‌کند. انواع مختلفی از همکاری وجود دارد که عبارت‌اند از: همکاری در درون دولت<sup>۶</sup> (G2G)؛ همکاری دولت با سازمان‌های غیرانتفاعی و بخش خصوصی<sup>۷</sup> (G2B) و همکاری بین دولت و شهروندان<sup>۸</sup> (G2C) (Veljković, et al., 2014). نتیجه این پژوهش به دو شاخص منجر شده است: یکی

1. Attard
2. Wang & Lo
3. Zuiderwijk & Janssen
4. Veljković
5. Data.gov
6. Government to Government
7. Government to Business
8. Government to Citizen

شاخص بازبودن دولت الکترونیکی<sup>۱</sup> و دیگری سطح بلوغ. این سنجش نمایانگر میزان پیشرفت دولت طی زمان، کارایی در تشخیص و اجرای مفاهیم جدید و تمایل دولت نسبت به تشخیص و استقبال از ایده‌های نوآورانه است.



شکل ۱. مدل مفهومی دولت باز (Veljković, Bogdanović-Dinić, & Stoimenov, 2014)

دولت باز، مفهومی است که باید بر اساس یک رویکرد کل‌نگر به آن توجه کرد. ایجاد قابلیت دسترسی به اطلاعات دولتی به صورت صیرف و بدون ایجاد فرآیندهای طراحی مجدد و یا تغییر قوانین باعث نمی‌شود که بتوان یک دولت را باز خواند. درضمن پژوهش‌های کمی در مورد نحوه سنجش عناصر دولت باز انجام شده است و به نظر نمی‌رسد راهنماهای موجود برای اجرای صحیح مفهوم دولت باز کافی باشند. از نظر ساندوال-آلمازون و گیل-گارسیا<sup>۲</sup> (۲۰۱۶)، راهی برای از بین بردن این نقص، تدوین مدل‌هایی است که می‌توانند مفاهیم مرتبط با دولت باز را یکپارچه کنند و دیدگاه‌های عملیاتی را توسعه دهند. برخی از مدل‌های دولت باز که در این پژوهش بررسی شده‌اند، در جدول ۲، خلاصه شده است.

1. e-government openness index (eGovOI)  
2. Sandoval-Almazan & Gil-Garcia



جدول ۲. مدل‌های دولت باز

عنوان مدل	منبع	ویژگی‌های مدل
مدل بلوغ دولت باز - جلب مشارکت جامعه مدنی از طریق رسانه‌های اجتماعی	لی و کواک (۲۰۱۲) <sup>۱</sup>	<ul style="list-style-type: none"> <li>هدف: ارزیابی دولت باز و ارائه راهنمایی‌هایی در این زمینه</li> <li>تمرکز مدل بر مشارکت شفاف، تعاملی و مبتنی بر همکاری عموم مردم است.</li> <li>پنج مرحله اصلی شرایط اولیه (سطح ۱)، شفافیت اطلاعات (سطح ۲)، مشارکت باز (سطح ۳)، همکاری باز (سطح ۴) و تعامل همه‌جانبه (سطح ۵)</li> </ul>
مدل جریان دولت باز	ابو شاناب <sup>۲</sup> (۲۰۱۵، a)	<ul style="list-style-type: none"> <li>مدل بصری از فرآیند دولت باز و تعیین جریان کلی دولت باز شامل:</li> <li>شفافیت؛</li> <li>مشارکت؛</li> <li>همکاری.</li> </ul>
مدل نقشه ستون‌های اصلی دولت باز و فعالیت‌های آن	ابو شاناب (۲۰۱۵، b)	<ul style="list-style-type: none"> <li>ارائه نقشه‌ای از ۳ ستون اصلی دولت باز و نحوه ارتباط آن‌ها با هم (شفافیت، مشارکت و همکاری)</li> <li>هدف نهایی دولت باز آن است که شهروندان را تا آن حد توانمند کند که بتوانند تصمیم‌های مربوط به امور عمومی را خود اتخاذ کنند.</li> <li>مهندسی مجدد چارچوب دولت باز در ۴ بُعد شامل شفافیت، پاسخگویی، همکاری و توانمندسازی.</li> </ul>
مدل ارزیابی دولت باز	ساندوال-آلمازون و گیل-گارسیا (۲۰۱۶)	<ul style="list-style-type: none"> <li>مدلی برای سنجش میزان بازبودن دولت‌ها و کمک به اتخاذ راهبردهای مناسب برای تعیین مسیر پیشرفت.</li> <li>۴ ستون اصلی دولت باز در دایره نزدیک‌تر به هسته آمده است و ۴ جزء نیز در دایره بیرونی قرار داده شده‌اند تا بتوانند از این ۴ ستون اصلی پشتیبانی کنند.</li> <li>ستون‌های اصلی: ویکی‌نامیک<sup>۳</sup>، داده باز، نهادگرایی و نظریه فنی-اجتماعی و شبکه سازی.</li> <li>اجزای بیرونی: داده باز، چارچوب قانونی، همکاری و تولید مشترک.</li> </ul>

**پرسش‌های پژوهش.** این پژوهش درصدد سنجش میزان تمایل خطمشی‌گذاران به دولت باز و بررسی تفاوت آن میان گروه‌های مختلف خطمشی‌گذاران است. بر این اساس سؤال کلیدی پژوهش به صورت زیر مطرح شده است:

- میزان تمایل خطمشی‌گذاران به دولت باز در ایران در چه سطحی است؟

1. Lee & Kwak  
2. Abu-Shanab  
3. Wikinomics

سؤال‌های فرعی پژوهش عبارت‌اند از:

- ۱) آیا میان سطح تمایل خط‌مشی‌گذاران به دولت باز در گروه‌های سنی مختلف تفاوتی وجود دارد؟
- ۲) آیا میان سطح تمایل خط‌مشی‌گذاران به دولت باز در گروه‌های مختلف از نظر سطح تحصیلات تفاوتی وجود دارد؟
- ۳) آیا میان سطح تمایل خط‌مشی‌گذاران به دولت باز در گروه‌های مختلف از نظر جایگاه فعلی خط‌مشی‌گذار تفاوتی وجود دارد؟
- ۴) آیا میان سطح تمایل خط‌مشی‌گذاران به دولت باز در گروه‌های مختلف از نظر دیدمان سیاسی تفاوتی وجود دارد؟
- ۵) آیا میان سطح تمایل خط‌مشی‌گذاران به دولت باز در گروه‌های مختلف از نظر میزان آشنایی با دولت باز تفاوتی وجود دارد؟
- ۶) آیا میان سطح تمایل خط‌مشی‌گذاران به دولت باز در گروه‌های زنان با مردان تفاوتی وجود دارد؟

### ۳. روش‌شناسی

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی و از نوع پیمایشی است. در این پژوهش از طرح پژوهش آمیخته اکتشافی استفاده شده است. به این ترتیب که در مرحله نخست (مرحله کیفی) با استفاده از روش فراترکیب<sup>۱</sup> و بر اساس مدل ساندلوفسکی و همکاران (۲۰۰۷)، مدل مفهومی سنجش تمایل خط‌مشی‌گذاران به دولت باز در ایران طراحی و در مرحله بعدی (مرحله کمی) با استفاده از گردآوری داده‌های کمی و تحلیل آن‌ها، میزان تمایل خط‌مشی‌گذاران به دولت باز در ایران اندازه‌گیری و سطح تمایل به دولت باز در گروه‌های خط‌مشی‌گذاران از منظر سن، سطح تحصیلات، جایگاه فعلی خط‌مشی‌گذار، دیدمان سیاسی، میزان آشنایی با دولت باز و جنسیت بررسی شده است. فراترکیب نوعی مطالعه کیفی است که اطلاعات و یافته‌های استخراج‌شده از سایر پژوهش‌های کیفی مرتبط با موضوع را بررسی می‌کند و با فراهم کردن نگرش نظام‌مند برای پژوهشگر، از راه ترکیب پژوهش‌های کیفی مختلف، به کشف استعاره‌های جدید و اساسی می‌پردازد (Noblit & Hare, 1988). روش فراترکیب به این دلیل به کار گرفته شد که مبانی نظری موضوع، بیشتر ناظر بر بررسی متغیرها در سطح دولت و حکومت‌های محلی بود؛ از این رو لازم بود بر مبنای نظر خبرگان و با اقتباس از پژوهش‌های صورت‌گرفته، مدل مفهومی اولیه در سطح فردی احصا شود. روش جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش، ترکیبی از

1. Synthesis

مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی بوده و ابزار مورد استفاده برای مطالعه میدانی، پرسشنامه است. فرایند انجام این پژوهش به این ترتیب است که ابتدا با استفاده از منابع مختلف مروری بر مبانی نظری موضوع صورت گرفت؛ سپس با توجه به اهداف و سؤال‌های پژوهش، مرور مبانی نظری و بررسی پژوهش‌های انجام شده در زمینه مشابه و نیز بهره‌گیری از نظرهای خبرگان، سؤال‌های پرسشنامه تهیه و در مرحله پایلوت ویرایش شده است. در مرحله بعد، مطالعات میدانی از طریق توزیع پرسشنامه‌ها در میان اعضای نمونه صورت گرفت و پس از جمع‌آوری داده‌ها، با استفاده از فنون آمار توصیفی و استنباطی به تجزیه و تحلیل اطلاعات پرداخته شد. در این پژوهش برای آزمون نرمال بودن توزیع متغیر تمایل به دولت باز از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف با نرم افزار SPSS 24 استفاده شده است. از آنجاکه توزیع متغیر تمایل به دولت باز دارای توزیع نرمال نبود، از آزمون‌های ناپارامتری (شامل آزمون دو جمله‌ای، آزمون کروسکال - والیس و آزمون من-ویتنی) استفاده شد.

**قلمرو پژوهش.** واحد تحلیل در این پژوهش فرد است و قلمرو پژوهش ناظر بر دولت باز است. قلمروی مکانی پژوهش ایران است و این پژوهش در محدوده زمانی فروردین ماه ۱۳۹۴ تا شهریور ماه ۱۳۹۷ انجام شده است. توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها در بازه زمانی ۱۳۹۶/۰۹/۱۱ تا ۱۳۹۷/۰۲/۱۶ صورت گرفت.

**جامعه و نمونه آماری.** در بخش کیفی و در مرحله کنترل کیفیت روش فراترکیب و همچنین ویرایش پرسشنامه، خبرگان و صاحب نظران فعال و نقش آفرینان در حوزه خطمشی‌گذاری عمومی در ایران، یعنی اعضای هیئت علمی و استادان دانشگاه در حوزه مدیریت دولتی و خطمشی‌گذاری عمومی، جامعه آماری را تشکیل می‌دهند. در این بخش به روش نمونه‌گیری هدفمند عمل شد و نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت؛ به طوری که از تعداد ۱۸ نفر از اعضای هیئت علمی و استادان دانشگاه در حوزه مدیریت دولتی و خطمشی‌گذاری عمومی (از جمله دانشگاه تربیت مدرس، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، دانشگاه تهران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه علامه طباطبایی و دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات) بهره گرفته شد.

در بخش کمی با توجه به اهداف مطالعه، جامعه آماری شامل نمایندگان مجلس شورای اسلامی اعم از نمایندگان دوره دهم و نمایندگان ادوار (دوره‌های قبل از دوره دهم) و همچنین مدیران دولتی دارای سابقه خطمشی‌گذاری است. در این بخش از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی در دسترس استفاده شد. از آنجاکه جامعه آماری معادل ۲۸۸۰ نفر برآورد شده است، طبق جدول

کرجسی و مورگان (۱۹۷۰)، حجم نمونه موردنیاز برای ۲۸۰۰ نفر جامعه آماری، ۳۳۸ نفر و برای ۳۰۰۰ نفر جامعه آماری، ۳۴۱ است. بر این اساس ۳۵۰ پرسشنامه چاپ شد و در اختیار اعضای نمونه قرار گرفت. همچنین برای تمامی نمایندگان دوره دهم (۲۹۰ نفر) و نیز برای فهرست منتخب و در دسترس از مدیران دولتی دارای سابقه خط‌مشی‌گذاری (۴۵ نفر) و فهرست منتخب و در دسترس از نمایندگان ادوار (۱۲۰ نفر)، لینک پرسشنامه آنلاین از طریق پیامک و یا سایر کانال‌های دسترسی به آن‌ها، از جمله برنامه‌های پیام‌رسان یا ایمیل، ارسال شد. به این ترتیب با حذف افراد تکراری که هم به صورت آنلاین و هم به صورت کاغذی به پرسشنامه دسترسی یافتند، تعداد ۵۳۵ پرسشنامه توزیع شد. در نهایت پس از توزیع پرسشنامه، جمع‌آوری پاسخ‌ها و بررسی اولیه، در مجموع ۱۱۶ پرسشنامه قابل تحلیل به دست آمد.

**طراحی ابزار جمع‌آوری داده و نحوه توزیع آن.** مراحل طراحی ابزار جمع‌آوری داده به این ترتیب انجام شد که پس از استخراج مدل مفهومی پژوهش در مرحله کیفی، پرسشنامه‌های پژوهش‌های مشابه مورد بررسی قرار گرفت. با الگوگرفتن از پرسشنامه‌های پژوهش‌های مشابه، نسخه اولیه سؤال‌ها طراحی شد. این نسخه از پرسشنامه، بعد از اعمال نظرهای خبرگان این حوزه و انجام آزمون پایلوت، پس از ۱۰ بار ویرایش به نسخه نهایی مبدل شد. برای پاسخ‌ها از مقیاس پنج‌تایی لیکرت استفاده شد که جزو مقیاس‌های ترتیبی است.

**پایایی و روایی ابزار جمع‌آوری داده.** در این مطالعه برای محاسبه ضریب پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. مقدار آلفای کرونباخ با کمک نرم‌افزار SPSS 24 برای ابعاد تمایل به دولت باز محاسبه شد که نتایج در جدول ۳، ارائه شده است. از آنجاکه تمام مقادیر محاسبه‌شده بیشتر از ۰/۷ هستند، ابزار جمع‌آوری داده از پایایی قابل قبولی برخوردار است.

۱. همان‌طور که استراب و همکاران (۲۰۰۴)، نشان داده‌اند، در صورتی که نرخ بازگشت پرسشنامه‌ها (مانند این پژوهش) کمتر از حجم نمونه باشد، باید نشان داد که متغیرهای آزمون‌شده با مبانی نظری سازگار هستند. در این پژوهش چون تفاوت تمایل گروه‌های مختلف سنی و مانند این‌ها مدنظر است، نتایج پژوهش‌های گذشته، از جمله راجرز (۲۰۱۰)، وجود تفاوت تمایل افراد به نوآوری در حوزه‌های مختلف را اثبات کرده‌اند.

جدول ۳. مقادیر محاسبه‌شده آلفای کرونباخ برای هر یک از ابعاد تمایل به دولت باز

آلفا	کُد سؤال‌ها	ابعاد
۰/۸۰۹	۴-۳-۲-۱	تمایل به شفافیت
۰/۷۰۴	۷-۶-۵	تمایل به مشارکت شهروندان
۰/۷۵۰	۱۰-۹-۸	تمایل به همکاری
۰/۸۲۰	۱۳-۱۲-۱۱	تمایل به پاسخگویی دولت
۰/۷۶۸	۱۶-۱۵-۱۴	تمایل به پشتیبانی از نوآوری و کمک به توسعه کسب و کار

برای حصول اطمینان از روایی پرسشنامه از روش اعتبار محتوا استفاده شد؛ به این ترتیب که پرسشنامه اولیه با بهره‌گیری از نظرهای استادان دانشگاه در حوزه مدیریت دولتی و خطمشی‌گذاری در مورد تعداد، نحوه بیان و تقدم و تأخر سؤال‌ها و طیف گزینه‌های پاسخ موردبازنگری قرار گرفت. درنهایت پس از چند مرحله بازنگری و انجام یک مرحله آزمایشی، پرسشنامه نهایی تنظیم شد.

#### ۴. تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

##### یافته‌های کیفی پژوهش

در این بخش نتایج تحلیل داده‌های کیفی و روش فراترکیب مبتنی بر مراحل هفت‌گانه مدل ساندلوفسکی و همکاران (۲۰۰۷)، به‌طور خلاصه تشریح می‌شود.

**ابعاد دولت باز.** به‌منظور شروع روش فراترکیب و تعیین مسیر جست‌وجوی نظام‌مند مبانی نظری پژوهش، پرسش اصلی به‌صورت «مدل سنجش تمایل خطمشی‌گذاران به دولت باز کدام است؟» مطرح شد. بر این اساس برای مرور مبانی نظری حوزه موضوعی دولت باز باید بررسی می‌شد. در ادامه واژگان کلیدی موردنظر در منابع فارسی و انگلیسی در عنوان، چکیده و کلیدواژه‌ها جست‌وجو شدند و در حوزه موضوع موردنظر، ۹۱۹ منبع یافت شد که پس از غربال‌گری اولیه بر اساس عنوان منابع و چکیده و حذف برخی از منابع با توجه به نوع آن‌ها، برای ارزیابی کیفیت منابع شناسایی‌شده، از فهرست «برنامه مهارت‌های ارزیابی حیاتی»<sup>۱</sup> استفاده شد و درنهایت طی چند مرحله غربال‌گری به ۲۶ منبع رسید.

در مرحله «استخراج اطلاعات متون» با مرور و مطالعه مکرر منابع منتخب، گُدهای مربوط به پرسش اصلی پژوهش استخراج شد که در جدول ۴، ارائه شده است. در مرحله «تجزیه و تحلیل

1. Critical Appraisal Skills Programme (CASP)

و ترکیب یافته‌های کیفی» با استفاده از تفسیر یکپارچه نتایج حاصل از مرحله قبل، متغیرهای اصلی شناسایی شد و در نهایت مدل مفهومی پژوهش شکل گرفت.

به‌منظور حفظ کنترل کیفیت، برای کنترل مفاهیم به‌دست‌آمده و وجود پایایی در روش فراترکیب از نظر یک خبره بهره گرفته شد. برای این کار خبره‌ای با تخصص خط‌مشی‌گذاری عمومی انتخاب شد. به‌صورت تصادفی چند مقاله از مقاله‌های منتخب، انتخاب و برای احصای کدها در اختیار وی قرار گرفت. نتایج به‌عنوان کدگذاری دوم با شاخص کاپا برای سنجش میزان توافق دو کدگذار محاسبه شد. کاپای کوهن (k) بررسی می‌کند که آیا توافق بین دو تخمین‌زننده (یا تخمین‌ها) توافقی بیش و فراتر از توافق شانسی است یا خیر؟ بر اساس بررسی به‌عمل‌آمده، درصد توافق مشاهده‌شده،  $86/7$  و درصد توافق مبتنی بر شانس،  $76/8$  و مقدار کاپای کوهن (k)،  $0/423$  محاسبه شد که با توجه به عدد معناداری  $0/001$  موردپذیرش قرار گرفت و رد فرضیه صفر (مبنی بر توافق دو کدگذاری براساس شانس) نشان‌دهنده وجود توافق بین دو کدگذار بوده و در نتیجه کدگذاری دارای پایایی است.

برای اطمینان از روایی، از نظر خبرگان بهره گرفته شد. به این ترتیب که نظر جمعی از خبرگان و صاحب‌نظران فعال و نقش‌آفرینان در حوزه خط‌مشی‌گذاری عمومی در ایران، یعنی اعضای هیئت‌علمی و استادان دانشگاه در حوزه مدیریت دولتی و خط‌مشی‌گذاری عمومی در خصوص متغیرهای شناسایی‌شده اخذ شد. در نهایت بر اساس نظرهای آن‌ها مدل مفهومی پژوهش استخراج شد (شکل).

جدول ۴. کدهای استخراج‌شده از منابع منتخب در حوزه دولت باز

منبع	کُد (انگلیسی)	کُد (ترجمه)	ردیف	منبع	بُعد	ردیف
Open Government Index™ 2015	publicized laws and government data	به اطلاع عموم رساندن قوانین و داده‌های دولت	۱	Open Government Index™ (2015); World Justice Project OECD, (2009);	شفافیت (Transparency)	۱
Open Government Index™ (2016); Zuiderwijk, et al., (2015); Shepherd, (2015); Parycek, et al., (2014)	right to information	حق دسترسی به اطلاعات	۲	Geiger, et al., (2012); Meijer, et al., (2012); Heller, (2012); Veljković, et al., (2014); Wirtz & Birkmeyer, (2015); Harrison & Sayogo, (2014); Reggi & Dawes, (2016); Abu-Shanab, (2015,a);		

منبع	رَدیف	رَدیف	کُد (ترجمه)	کُد (انگلیسی)	منبع	رَدیف	بُعد
					Abu-Shanab, (2015,b)		
Sirianni, (2009)	۳	۳	مشارکت شهروندان در تعیین دستور کار	participation of citizens in agenda setting	Open Government Index™ 2015, World Justice Project Geiger, et al., (2012); Meijer, et al., (2012); Heller, (2012); Wirtz & Birkmeyer, (2015); Gasco´-Hernández, M. (2014) Veljković, et al., (2014); Harrison & Sayogo, (2014); Reggi & Dawes, (2016)	۲	مشارکت شهروندان (Participation)
Reggi & Dawes, (2016); Cortés-Selva & Pérez-Escobar, (2016);	۴	۴	مشارکت مدنی	civic participation			
Rapp, et al., (2016)	۵	۵	استراتژی خلق شده با همکاری هم	co-created strategy			
Yavuz & Welch, (2014)	۶	۶	مشارکت عموم	public participation			
Odongo & Rono, (2016)	۷	۷	حق مشارکت مؤثر شهروندان	right for effective citizen participation			
Reggi & Dawes, (2016)	۸	۸	همکاری بخش خصوصی - عمومی	public-private collaboration	Gasco´-Hernández, (2014); Geige, et al., (2012); Wirtz & Birkmeyer, (2015); Veljković, et al., (2014)	۳	همکاری (Collaboration)
Wirtz & Birkmeyer, (2015)	۹	۹	روابط G2C و G2B	G2B & G2C relationship			
Reggi & Dawes, (2016)	۱۰	۱۰	پاسخگویی عمومی	public accountability	Harrison & Sayogo, (2014); Reggi & Dawes, (2016); Government of Canada, (2016); OECD, (2009); Heller, (2012); Caplan et al., (2014)	۴	پاسخگویی دولت (Accountability)
Harrison & Sayogo, (2014)	۱۱	۱۱	پاسخگویی مالی مؤثر	effective fiscal accountability			
Benito & Bastida, (2009)	۱۲	۱۲	عملکرد مالی	Fiscal Performance			
Reggi & Dawes, (2016)	۱۳	۱۳	نوآوری اقتصادی و اجتماعی	economic and social innovation	Caplan et al., (2014); Government of Canada, (2016); Ahmadi Zeleti, et a., (2016)	۵	پشتیبانی از نوآوری و توسعه کسب و کار
Jetzek, et al., (2013)	۱۴	۱۴	ارزش اقتصادی	Economic value			
Ruppert, (2015)	۱۵	۱۵	تهدیه اقتصاد دیجیتال	stimulating the digital economy			

رَدیف	بُعد	منبع	رَدیف	کُد (ترجمه)	کُد (انگلیسی)	منبع
۱۶				فرصت‌های اقتصادی	economic opportunities	Ahmadi Zeleti, et al., (2016)
۱۷				چارچوب مدل کسب‌وکار شش‌ارزشی	6-Value business model framework	Ahmadi Zeleti, et al., (2016)

**تمایل به دولت باز.** تمایل نوعی گرایش یا آگاهی روانی، زمینه‌ای و سازمان‌یافته برای اندیشیدن، احساس، ادراک و رفتار کردن نسبت به یک موضوع شناختی است (Birou, 1987). در «لغت‌نامه آکسفورد»، تمایل<sup>۱</sup> به صورت میل یا گرایش به سمت یک مشخصه ویژه یا یک نوع رفتار خاص تعریف شده است. «لغت‌نامه لانگمن»<sup>۲</sup>، واژه تمایل را چنین تعریف می‌کند: «اگر شخصی تمایل به انجام کاری داشته باشد، آن شخص احتمالاً آن کار را انجام خواهد داد». این مفهوم یا سازه در علوم متفاوت از جمله علوم رفتاری، مدیریت، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، زیست‌شناسی و علوم رایانه در بافتارهای متفاوت و از جنبه‌های متفاوتی موردسنجش و بررسی قرار گرفته است.

آجزن و فیشبن<sup>۳</sup> (۱۹۷۷)، در نظریه نگرش خود فرض کرده‌اند که بهترین پیش‌بینی‌کننده رفتار یک فرد، سنجش تمایل به انجام آن رفتار در وی است. به منظور تعریف عملیاتی متغیر «تمایل به دولت باز»، مطالعات گسترده‌ای در حوزه‌های موضوعی مختلف در خصوص تمایل و نحوه سنجش آن انجام شده است. در هر یک از مطالعات انجام شده که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود، تعریف عملیاتی این سازه بر اساس تعریف‌های مفهومی آن و با توجه به بافتار خاص مطالعه و احصای ابعاد و مؤلفه‌های آن بافتار خاص ارائه شده است. برای نمونه، «تمایل به مشارکت» در پژوهش نویگ<sup>۴</sup> (۲۰۰۷)، بر اساس تعریف باس<sup>۵</sup> و همکاران (۱۹۸۷)، به این شکل ارائه شده است: «تمایل به مشارکت» به معنای رغبت یا میل موقعیتی نسبت به درگیر شدن (مشارکت)، همکاری و مداخله است که لزوماً برای موضع‌گیری بنیادین نسبت به مشارکت یکسان نیست (Buse et al., as cited in Newig, 2007). همان‌طور که از این تعریف مشخص است، «تمایل به مشارکت» بر اساس سه مؤلفه میزان درگیر شدن شخص، همکاری وی و مداخله او تعریف شده است.

#### 1. Tendency

واژه‌های Propensity و Willingness به‌عنوان مترادف آن به کار می‌رود.

#### 2. Longman

#### 3. Ajzen & Fishbein

#### 4. Newig

#### 5. Buse



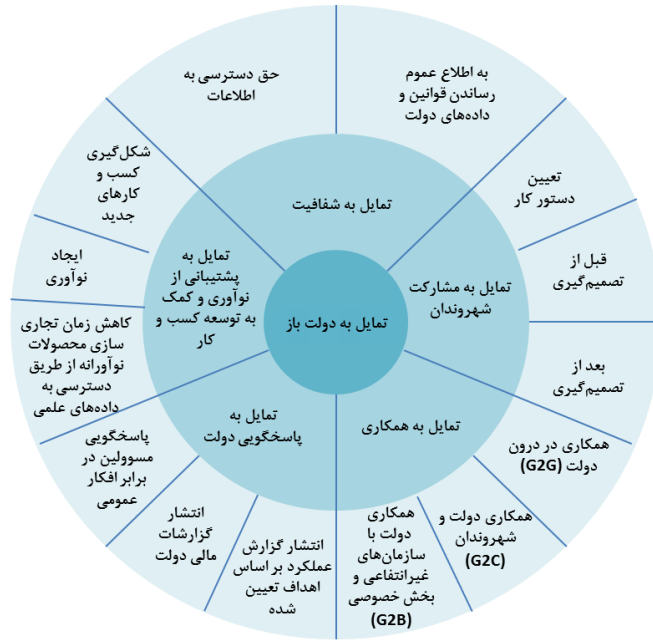
به‌عنوان نمونه دیگری، می‌توان به «تمایل به ترک خدمت» در مطالعات مدیریت منابع انسانی اشاره کرد. «تمایل به ترک خدمت» در پژوهش‌های بسیاری مدنظر قرار گرفته است و توسط موبلی<sup>۱</sup> و همکاران (۱۹۷۹)، به‌صورت «فرایند فکر کردن، برنامه‌ریزی و قصد ترک شغل» تعریف شده است (Mobley et al. as cited in Lambert et al., 2010). بر اساس مدل ترک خدمت کلاسیک، تمایل ترک خدمت، تابعی از مطلوبیت و سهولت درک‌شده از ترک سازمان، عوامل فردی (همانند رابطه منفی سن و استخدام رسمی با تمایل به ترک خدمت)، عوامل درون‌سازمانی (مانند شرایط شغلی) و برون‌سازمانی (مانند شرایط اقتصادی) است که تعیین‌کننده احتمال ترک خدمت کارکنان هستند (SamGnanakkan, 2010).

گلدز و همکاران (۲۰۱۷)، «تمایل به نوآوری» را بر اساس تعریف‌های ارائه‌شده توسط کاسیمن و وگلرز<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) و موس و یوین نوین<sup>۳</sup> (۲۰۱۰)، تعریف و آن را اندازه‌گیری کرده‌اند. در این تعریف، تمایل به نوآوری عبارت است از: اجرای نوآوری‌های آتی که تحت تأثیر تعامل نوآوری‌های فناورانه و غیرفناورانه قرار دارد. در مدل سنجش آن‌ها، چهار بُعد یا چهار متغیر برای تمایل به نوآوری در نظر گرفته شده است: نوآوری در محصول؛ نوآوری در فرایند؛ نوآوری در بازاریابی و نوآوری در سازمان (Geldes, et al., 2017).

برای تعریف عملیاتی متغیر «تمایل به دولت باز»، مطابق با پژوهش‌های اشاره‌شده در این بخش عمل شده و تعریف این سازه بر مبنای مفهوم تمایل و همچنین ابعاد و مؤلفه‌های دولت باز ارائه شده است؛ بنابراین ابتدا بر اساس مطالعات انجام‌شده در حوزه دولت باز، ابعاد و مؤلفه‌های آن شناسایی و سپس با ترکیب مفهوم تمایل، متغیر «تمایل به دولت باز» تعریف شده است. به این ترتیب «تمایل به دولت باز» همان‌طور که در شکل، مشاهده می‌شود، سازه‌ای چندبعدی است و عبارت است از: میل و رغبت خطمشی‌گذار نسبت به شفافیت، مشارکت شهروندان، همکاری، پاسخگویی دولت و پشتیبانی از نوآوری و کمک به توسعه کسب‌وکار.

---

1. Mobley  
1. Cassiman & Veugelers  
2. Mothe & Uyen Nguyen



شکل ۲. مدل سنجش تمایل خط‌مشی‌گذاران به دولت باز

یافته‌های کمی پژوهش. در این بخش نتایج تحلیل داده‌های کمی حاصل از پیمایش ارائه خواهد شد. در بخش اول، یافته‌های توصیفی (جدول ۵) و در بخش دوم، یافته‌های استنباطی گزارش شده است.

جدول ۵. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه مورد بررسی

ویژگی‌ها	سطوح	فراوانی <sup>۱</sup>	درصد
جنسیت	زن	۱۲	۱۰,۳
	مرد	۹۲	۷۹,۳
سن	کمتر از ۳۰ سال	۹	۷,۸
	بین ۳۰ تا ۳۹ سال	۲۴	۲۰,۷
	بین ۴۰ تا ۴۹ سال	۲۷	۲۳,۳
	بین ۵۰ تا ۵۹ سال	۳۳	۲۸,۴
تحصیلات	۶۰ و بیشتر از ۶۰	۱۸	۱۵,۵
	کارشناسی	۵	۴,۳

۱. در هر ویژگی، فراوانی بدون پاسخ در جدول درج نشده است؛ به عبارت دیگر در هر ویژگی، تفاوت مجموع فراوانی در جدول از عدد ۱۱۶، نشان‌دهنده تعداد بدون پاسخ است. برای نمونه در مورد جنسیت، مجموع فراوانی زن و مرد برابر است با ۱۰۴ و بنابراین ۱۲ نفر به سؤال جنسیت پاسخ نداده‌اند.

ویژگی‌ها	سطوح	فراوانی <sup>۱</sup>	درصد
	کارشناسی ارشد	۵۰	۴۳,۱
	دکتری	۴۵	۳۸,۸
	حوزوی معادل کارشناسی	۲	۱,۷
	حوزوی معادل کارشناسی ارشد	۲	۱,۷
	حوزوی معادل دکتری	۴	۳,۴
	نماینده مجلس (دوره دهم)	۲۲	۱۹,۰
	نماینده ادوار (دوره‌های قبل از دوره دهم)	۳۵	۳۰,۲
جایگاه فعلی	مدیر عالی دولتی / مدیر سیاسی <sup>۱</sup>	۴	۳,۴
	مدیر دولتی <sup>۲</sup>	۱۴	۱۲,۱
	سایر	۴۱	۳۵,۳
	اعتدال‌گرا	۳۱	۲۶,۷
دیدمان سیاسی	اصول‌گرا	۳۲	۲۷,۶
	اصلاح‌طلب	۳۰	۲۵,۹
	سایر	۹	۷,۸
میزان / نحوه	مطالعه کتاب‌ها و مقاله‌های مرتبط	۵۲	۴۷,۷
	انتشار مقاله / کتاب	۶	۵,۵
آشنایی	رسانه‌ها و تجربه‌های شخصی	۳۴	۳۱,۲
با دولت باز	آشنایی جزئی	۱۷	۱۵,۶

**بررسی توزیع داده‌ها.** برای بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف استفاده شده و فرضیه آماری برای تمام متغیرها به صورت زیر مطرح شده است:

$$\begin{cases} H_0: \text{داده‌ها دارای توزیع نرمال هستند} \\ H_1: \text{داده‌ها دارای توزیع نرمال نیستند} \end{cases}$$

با کمک نرم‌افزار SPSS این فرضیه‌های آماری برای تمام متغیرها بررسی شد. سطح معناداری برای تمام متغیرها برابر با صفر به دست آمد که چون از ۰/۰۵ کمتر است، فرض صفر ( $H_0$ ) رد می‌شود؛ یعنی در سطح اطمینان ۹۵ درصد، داده‌ها دارای توزیع نرمال نیستند.

۲. منظور از مدیر عالی دولتی / مدیر سیاسی، یکی از سمت‌های معاون رییس جمهور، وزیر، معاون وزیر، استاندار یا سفیر است.  
 ۳. منظور از مدیر دولتی، یکی از سمت‌های مدیریتی بعد از معاون وزیر است.

آزمون دوجمله‌ای برای میزان تمایل خطمشی‌گذاران به دولت باز. برای سنجش میزان تمایل خطمشی‌گذاران به دولت باز فرض شده است که این مقدار از مجموع مقادیر ۱۶ متغیر حاصل می‌شود. در این صورت متغیری با عنوان «میزان تمایل به دولت باز» در نظر گرفته شده است که کمترین حد آن ۱۶ و بیشترین حد آن ۸۰ است. برای بررسی سطح تمایل خطمشی‌گذاران به دولت باز فرض شده است که مقدار بیشتر از ۶۰ نشان‌دهنده سطح بالای تمایل به دولت باز و کمتر از ۶۰ نشان‌دهنده سطح پایین تمایل به دولت باز است. از طرفی فرض شده است بیش از ۷۵ درصد از جامعه پژوهش تمایل بالا نسبت به دولت باز دارند. بر این اساس فرضیه آماری به صورت زیر بیان می‌شود:

$$\begin{cases} H_0: & P \leq 25\% \\ H_1: & P > 25\% \end{cases}$$

$P$  نسبت گروهی از خطمشی‌گذاران است که میزان تمایل آن‌ها به خطمشی دولت باز کمتر یا مساوی ۶۰ است. با کمک نرم‌افزار SPSS 24 و انجام آزمون دوجمله‌ای<sup>۱</sup>، خروجی مطابق جدول ۶، حاصل شد. از آنجا که سطح معناداری معادل ۰/۳۶۸ به دست آمد که بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است، دلیلی بر رد فرض صفر به دست نیامد؛ به عبارت دیگر در سطح اطمینان ۹۵ درصد، سطح تمایل خطمشی‌گذاران به دولت باز بالا است (بیشتر از ۶۰).

جدول ۶. نتایج آزمون دوجمله‌ای برای متغیر میزان تمایل خطمشی‌گذار به دولت باز

تعریف گروه‌ها	تعداد	نسبت مشاهده شده	نسبت آزمون	سطح معناداری
گروه ۱ $\geq 60$	۳۱	۰/۲۷	۰/۲۵	۰/۳۶۸
گروه ۲ $< 60$	۸۵	۰/۷۳		
جمع	۱۱۶	۱/۰۰		

توضیحات: گروه ۱ شامل گروهی از خطمشی‌گذاران است که میزان تمایل آن‌ها به خطمشی دولت باز کمتر یا مساوی ۶۰ است و گروه ۲ شامل گروهی از خطمشی‌گذاران است که میزان تمایل آن‌ها به خطمشی دولت باز بیشتر از ۶۰ است.

### آزمون کروسکال-والیس (آزمون H) برای بررسی میزان تمایل گروه‌های مختلف خطمشی‌گذاران به دولت باز

بررسی تفاوت میزان تمایل به دولت باز در میان گروه‌های سنی مختلف. برای بررسی این موضوع که آیا میزان تمایل به دولت باز در میان گروه‌های مختلف سنی خطمشی‌گذاران

1. Binominal Test

متفاوت است یا خیر، از آزمون کروسکال-والیس<sup>۱</sup> (آزمون H) برای مقایسه میانگین چند جامعه استفاده شده است؛ بنابراین فرضیه آماری به صورت زیر بیان می‌شود:

$$\begin{cases} H_0: \mu_1 = \mu_2 = \mu_3 = \mu_4 = \mu_5 \\ H_1: \text{دست کم میانگین میزان تمایل به دولت باز دو گروه یکسان نیست} \end{cases}$$

در فرضیه صفر،  $\mu_1$  تا  $\mu_5$ ، به ترتیب میانگین میزان تمایل به دولت باز در گروه‌های سنی کمتر از ۳۰ سال، ۳۰-۳۹ سال، ۴۰-۴۹ سال، ۵۰-۵۹ سال و ۶۰ و بیشتر از ۶۰ است. آزمون کروسکال-والیس (آزمون H) با کمک نرم‌افزار SPSS 24 انجام شد که جدول‌های ۷ و ۸، نتایج این آزمون را نشان می‌دهند.

با توجه به نتایج، از آنجا که سطح معناداری معادل ۰/۰۰۱ و کمتر از ۵ درصد است، بنابراین فرض  $H_0$  رد و در سطح خطای ۵ درصد، فرض  $H_1$  پذیرفته می‌شود؛ به عبارت دیگر در سطح اطمینان ۹۵ درصد، ادعای عدم تساوی میانگین گروه‌ها پذیرفته می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که میزان تمایل به دولت باز در میان گروه‌های سنی مختلف، متفاوت است. همان‌طور که در جدول ۷، مشاهده می‌شود، میانگین میزان تمایل خطمشی گذاران به دولت باز در گروه سنی اول (کمتر از ۳۰ سال) بالاتر است.

جدول ۷. خروجی اول آزمون کروسکال-والیس در مورد سن

میانگین رتبه‌ها	تعداد	سن	
۷۶/۰۶	۹	کمتر از ۳۰ سال	
۷۱/۲۷	۲۴	۳۰ تا ۳۹ سال	
۵۸/۲۰	۲۷	۴۰ تا ۴۹ سال	میزان تمایل
۴۸/۷۷	۳۳	۵۰ تا ۵۹ سال	به دولت باز
۳۵/۵۶	۱۸	۶۰ سال و بالاتر	
	۱۱۱	جمع	

جدول ۸. خروجی دوم آزمون کروسکال-والیس در مورد سن

میزان تمایل به دولت باز	
۱۸/۰۰۳	مقدار آماره کای دو ( $\chi^2$ )
۴	درجه آزادی
۰/۰۰۱	سطح معناداری

بررسی تفاوت میزان تمایل به دولت باز در میان سایر گروه‌ها. به‌طور مشابه و به روشی مطابق بخش قبل، آزمون‌ها برای سایر گروه‌ها نیز انجام شد که نتایج در جدول ۹، خلاصه شده است.

جدول ۹. نتایج آزمون کروسکال - والیس برای سایر متغیرها و گروه‌ها

متغیر اصلی	متغیرهای مورد بررسی	مقدار آماره کای دو ( $\chi^2$ )	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه آزمون
	سطح تحصیلات	۷/۴۰۸	۵	۰/۱۹۲	بین گروه‌ها تفاوتی وجود ندارد.
میزان تمایل به دولت باز	جایگاه فعلی	۵۸/۲۵۲	۴	۰/۰۰۰	بین گروه‌ها تفاوت وجود دارد.
	دیدمان سیاسی	۵/۷۵۰	۳	۰/۱۲۴	بین گروه‌ها تفاوتی وجود ندارد.
	نحوه آشنایی با دولت باز	۱۳/۳۱۸	۳	۰/۰۰۴	بین گروه‌ها تفاوت وجود دارد.

بررسی تفاوت میزان تمایل به دولت باز در میان گروه‌های مختلف از نظر جنسیت. برای بررسی این موضوع که آیا میزان تمایل به دولت باز در میان مردان با زنان متفاوت است یا خیر، از آزمون من-ویتنی (آزمون U) برای مقایسه میانگین دو جامعه استفاده شد؛ بنابراین فرضیه آماری به‌صورت زیر ارائه می‌شود:

$$\begin{cases} H_0: \mu_1 = \mu_2 \\ H_1: \mu_1 \neq \mu_2 \end{cases}$$

در فرضیه‌های بالا،  $\mu_1$  و  $\mu_2$  به‌ترتیب میانگین میزان تمایل به دولت باز در میان مردان و زنان است. آزمون من-ویتنی (آزمون U) با کمک نرم‌افزار SPSS 24 انجام شد که جدول‌های ۱۰ و ۱۱، نتایج این آزمون را نشان می‌دهند.

با توجه به نتایج، از آنجاکه سطح معناداری برابر با ۰/۰۹۶ به‌دست آمد و بیشتر از ۰/۰۵ است، دلیلی بر رد  $H_0$  وجود ندارد؛ به‌عبارت‌دیگر در سطح اطمینان ۹۵ درصد، بین میانگین میزان تمایل به دولت باز بین مردان و زنان، تفاوت آماری معناداری وجود ندارد.

جدول ۱۰. خروجی اول آزمون من-ویتنی (آزمون U)

جنسیت	تعداد	میانگین رتبه‌ها	مجموع رتبه‌ها
مرد	۹۲	۵۰/۷۲	۴۶۶۶/۵۰
زن	۱۲	۶۶/۱۳	۷۹۳/۵۰
جمع	۱۰۴		

جدول ۱۱. خروجی دوم آزمون من-ویتنی (آزمون U)

میزان تمایل به دولت باز	
۳۸۸/۵۰۰	آماره U من-ویتنی
۴۶۶۶/۵۰۰	آماره W ویلکاکسون
-۱/۶۶۶	آماره Z
۰/۰۹۶	سطح معناداری

### ۵. نتیجه گیری و پیشنهادها

این مطالعه در پی سنجش میزان تمایل خطمشی گذاران به دولت باز و بررسی تفاوت سطح تمایل به دولت باز در گروه‌های خطمشی گذاران از نظر سن، سطح تحصیلات، جایگاه فعلی خطمشی گذار، دیدمان سیاسی، میزان آشنایی با دولت باز و جنسیت بود. سؤال اصلی این پژوهش به این صورت طرح شد که میزان تمایل خطمشی گذاران به دولت باز در ایران در چه سطحی است؟ برای پاسخ به این سؤال، با استفاده از بررسی مبانی نظری موضوع و بهره‌گیری از روش فراترکیب، مدل سنجش تمایل خطمشی گذاران به دولت باز (شکل) استخراج شد که شامل ابعاد تمایل به شفافیت، تمایل به مشارکت شهروندان، تمایل به همکاری، تمایل به پاسخگویی دولت و تمایل به پشتیبانی از نوآوری و کمک به توسعه کسب‌وکار است؛ سپس با استفاده از مدل استخراج‌شده و طراحی پرسشنامه مبتنی بر آن، میزان تمایل خطمشی گذاران به دولت باز اندازه‌گیری شد و مورد آزمون قرار گرفت.

نتایج بررسی نشان می‌دهد که سطح تمایل خطمشی گذاران (نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعم از نمایندگان فعلی و نمایندگان ادوار و همچنین مدیران دولتی با سابقه خطمشی گذاری) به دولت باز بالا است. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت در صورت تدوین خطمشی‌های دولت باز و مطرح‌شدن آن در مجامع تصمیم‌گیری و خطمشی‌گذاری، احتمال حمایت از آن و تصویب آن وجود دارد؛ البته باید توجه داشت که عوامل دیگری نیز در این تصمیم‌گیری دخیل هستند که خارج از بحث این پژوهش است؛ اما صرفاً از حیث تمایل تصمیم‌گیران به ابعاد دولت باز و مفاهیم و کارکردهای آن، نتایج بررسی این پژوهش نشان می‌دهد که سطح تمایل آنان از میزان زیادی برخوردار است. بررسی تفاوت سطح تمایل به دولت باز در گروه‌های خطمشی گذاران نشان می‌دهد هرچند بین میزان تمایل به دولت باز در گروه‌های مختلف از لحاظ سطح تحصیلات و نیز دیدمان سیاسی تفاوتی وجود ندارد، اما میزان تمایل به دولت باز در میان گروه‌های سنی مختلف، متفاوت است و می‌توان ادعا کرد تمایل خطمشی گذاران در رده‌های سنی پایین‌تر بیشتر است. به‌علاوه میزان تمایل به دولت باز در میان گروه‌های دارای جایگاه فعلی مختلف نیز متفاوت است و بر اساس بررسی نتایج می‌توان ادعا کرد

که میزان تمایل نمایندگان مجلس (دوره دهم) بیشتر از نمایندگان ادوار و کمتر از مدیران دولتی در سطوح مختلف است؛ همچنین در میان گروه‌های مختلف از نظر میزان آشنایی با دولت باز، از نظر میزان تمایل به دولت باز، تفاوت وجود دارد و هرچه سطح آشنایی آنان با دولت باز بیشتر باشد، میزان تمایل آنان بالاتر است.

به دلیل اهمیت مفهوم دولت باز و مزایایی که در این زمینه به‌دست می‌آید، نهادهای مختلف به پژوهش در این زمینه پرداخته‌اند. برای مثال، دولت آمریکا چندین دهه است که در سطح محلی، منطقه‌ای و دولت فدرال به داده باز و شفافیت عملکرد روی آورده است. همان‌طور که در بخش مبانی نظری موضوع نیز اشاره شد، سایر دولت‌ها نیز با سرعت و عمق متفاوت به این مقوله و ختمشی‌گذاری در این حوزه پرداخته‌اند. برای نمونه، ۹۸ درصد از مردم یونان در مطالعه‌ای که OECD در سال ۲۰۱۲ انجام داد، اعلام کردند که فساد اداری بزرگ‌ترین مشکل کشور است. برای مواجهه با چنین نقص‌هایی، دولت یونان سعی کرد به سمت دولت باز روی بیاورد و مجموعه‌ای از کارکردها را در این زمینه اجرا کند تا کاستی‌های ناشی از رهبری ناکارآمد را پوشش دهد. با توجه به اینکه نتایج پژوهش حاکی از تمایل نسبتاً بالای کلیه گروه‌های ختمشی‌گذار، چه زن و چه مرد، با هر گروه سنی و با هر دیدمان سیاسی و با هر مدرک تحصیلی و با هر جایگاه فعلی است، بنابراین به نظر می‌رسد نیاز به ختمشی‌گذاری دولت باز و آمادگی ختمشی‌گذاران برای این ختمشی‌گذاری وجود دارد.

از سوی دیگر اگرچه در اسناد بالادستی، ختمشی‌ها و قوانین به‌طور مستقیم به واژه «دولت باز» اشاره نشده است، اما همواره ردپای مشخصه‌های بارز آن از جمله شفافیت، پاسخگویی، مشارکت و حق دسترسی به اطلاعات را می‌توان دنبال کرد. با نگاهی به سیاست‌های ۲۶گانه اصلاح نظام اداری از سوی مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۹ و به‌طور مشخص بندهای ۱۳، ۱۵، ۱۸ و ۱۹، قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات و آیین‌نامه‌های اجرایی آن و نیز قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد می‌توان تأکید بر کلیدواژه‌ها و مفاهیم مورد اشاره را به‌وضوح مشاهده کرد؛ بنابراین برخورداری از یک نظام حاکمیتی کارآمد، شفاف، پاسخگو و مبتنی بر مشارکت مردم انکارناپذیر است. با این حال با توجه به چالش‌های موجود در موضوع‌های نام‌برده در کشور و همچنین جایگاه ایران در شاخص دولت باز<sup>۱</sup> (۲۰۱۵)، به نظر می‌رسد برای تحقق میزان قابل‌قبولی از ارزش‌هایی چون شفافیت، پاسخگویی و مشارکت راه زیادی باید پیموده شود؛ بنابراین به این منظور و بر اساس نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود ختمشی‌گذاری برای تحقق دولت باز و ابعاد آن در دستور کار متولیان امر قرار گیرد. از طرف دیگر از آنجاکه دولت باز و داده

۱. شاخص دولت باز (۲۰۱۵) (Open Government Index™ 2015) توسط WJP ارائه می‌شود و ایران در میان ۱۰۲ کشور، با امتیاز ۰/۳۵، رتبه ۹۹ را کسب کرده است.



باز، مفاهیم نو و جدیدی هستند و در این زمینه شکاف مطالعاتی در کشور وجود دارد، به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود ضمن بررسی آثار دولت باز با توجه به بافت خاص کشور از ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با اقتباس از مدل‌ها و خطامشی‌های دولت باز سایر کشورها، مدل مطلوب برای ایران مورد پژوهش قرار گیرد. به‌علاوه در این پژوهش با توجه به توزیع نمونه، به ناچار از آزمون‌های ناپارامتریک استفاده شد. پیشنهاد می‌شود با افزایش حجم نمونه و به‌تبع تغییر توزیع آن، از آزمون‌های پارامتریک که از سطح دقت بالاتری برخوردارند، استفاده شود و نتایج آن با این پژوهش مورد مقایسه قرار گیرد. همچنین پیشنهاد می‌شود که مدلی برای سنجش تمایل مردم به خطامشی دولت باز ارائه شود.

## منابع

1. Abu-Shanab, E. (2015, a). Open government initiatives in public sector: A proposed framework for future research. *Saba Journal of Information Technology and Networking*, 3(1), 4-14.
2. Abu-Shanab, E.A. (2015, b). Re-engineering the open government concept: An empirical support for a proposed model. *Government Information Quarterly*, 32(4), 453-463.
3. Ahmadi Zeleti, F., Ojo, A., & Curry, E. (2016). Exploring the economic value of open government data. *Government Information Quarterly*, 33(3), 535-551.
4. Ajzen, I., & Fishbein, M. (1977). Attitude-behavior relations: A theoretical analysis and review of empirical research. *Psychological bulletin*, 84(5), 888.
5. Andhika, L. R. (2017). Negative Effects of Open Government. *Jurnal Bina Praja: Journal of Home Affairs Governance*, 9(2), 219-229.
6. Armstrong, E. (2005). *Integrity, transparency and accountability in public administration: Recent trends, regional and international developments and emerging issues*. New York: United Nations.
7. Behn, R.D. (2001). *Rethinking democratic accountability*. Washington, DC: Brookings Institution Press.
8. Benito, B., & Bastida, F. (2009). Budget transparency, fiscal performance, and political turnout: An international approach. *Public Administration Review*, 69(3), 403-417.
9. Birou, A. (1987). *Social Science Dictionary*. Translated by Sarookhani, B. Tehran: Keyhan. (In Persian)
10. Born, C., Meschede, C., Siebenlist, T., & Mainka, A. (2019, January). Pushing Open Government Through Social Media. In *Proceedings of the 52nd Hawaii International Conference on System Sciences*.
11. Bovens, M. (2007). Analysing and assessing accountability: A conceptual framework. *European Law Journal*, 13(4), 447-468.
12. Caplan, R., Davies, T., Wadud, A., Verhulst, S., Alonso, J., & Farhan, H. (2014). Towards common methods for assessing open data: workshop report & draft framework. *World Wide Web Foundation*. Retrieved from <http://opendataresearch.org/sites/default/files/posts/Common%20Assessment%20Workshop%20Report.pdf>
13. Cassiman, B., & Veugelers, R. (2006). In search of complementarity in innovation strategy: Internal R&D and external knowledge acquisition. *Management science*, 52(1), 68-82.
14. Cortés Selva, L., & Pérez Escolar, M. (2016). Civic participation and interactive documentaries: a contribution to the open government model. *El profesional de la información*, 25(4), 578-587.
15. Dawes, S. S. (2010). Stewardship and usefulness: Policy principles for information-based transparency. *Government Information Quarterly*, 27(4), 377-383.
16. De Blasio, E., & Selva, D. (2019). Implementing open government: a qualitative comparative analysis of digital platforms in France, Italy and United Kingdom. *Quality & Quantity*, 53(2), 871-896.
17. Gasco-Hernández, M. (2014). *Open Government: Opportunities and Challenges for Public Governance*, New York: Springer.

18. Geiger, C. P., & Von Lucke, J. (2012). Open government and (linked)(open)(government)(data). *JeDEM-eJournal of eDemocracy and open Government*, 4(2), 265-278.
19. Geldes, C., Felzensztein, C., & Palacios-Fenech, J. (2017). Technological and non-technological innovations, performance and propensity to innovate across industries: The case of an emerging economy. *Industrial Marketing Management*, 61, 55-66.
20. Government of Canada (2014). Canada's Action Plan on Open Government 2014-16. Retrieved September 2016 from <http://open.canada.ca/en/content/canadas-action-plan-open-government-2014-16#ch4-3>
21. Harrison, T. M. & Sayogo, D. S. (2014). Transparency, Participation, and Accountability Practices in Open Government: A Comparative Study. *Government Information Quarterly*, 31(4), 513-525.
22. Heller, N. (2012). A working definition of open government. *Global Integrity Commons*.
23. Ingrams, A. (2018). Transparency for results: Testing a model of performance management in open government initiatives. *International journal of public administration*, 41(13), 1033-1046.
24. Jetzek, T., Avital, M., & Bjørn-Andersen, N. (2013). *Generating value from open government data*. Paper presented at International Conference on Information Systems (ICIS 2013): Reshaping Society through Information Systems Design, Milan. <https://aisel.aisnet.org/icis2013/proceedings/GeneralISTopics/5/>
25. Lambert, E. G., Hogan, N. L., Jiang, S., Elechi, O. O., Benjamin, B., Morris, A., ... & Dupuy, P. (2010). The relationship among distributive and procedural justice and correctional life satisfaction, burnout, and turnover intent: An exploratory study. *Journal of Criminal justice*, 38(1), 7-16.
26. Lee, G., & Kwak, Y.H. (2012). An Open Government Maturity Model for social media-based public engagement. *Government Information Quarterly*, 29, 492-503.
27. Lourenço, R.P. (2015). An analysis of open government portals: A perspective of transparency for accountability. *Government Information Quarterly*, 32(3), 323-332.
28. Meijer, A. J, Curtin D., & Hillebrandt, M. (2012). Open government: connecting vision and voice. *International Review of Administrative Sciences*, 78(1), 10-29.
29. Mothe, C., & Uyen Nguyen Thi, T. (2010). The link between non-technological innovations and technological innovation. *European Journal of Innovation Management*, 13(3), 313-332.
30. Nam, T. (2012). Citizens' Attitudes Toward Open Government and Government 2.0. *International Review of Administrative Sciences*, 78(2), 346-368.
31. Newig, J. (2007). Does public participation in environmental decisions lead to improved environmental quality?: towards an analytical framework. *Communication, Cooperation, Participation (International Journal of Sustainability Communication)*, 1(1), 51-71.
32. Noblit, G. W. & Hare, R. D. (1988). *Meta-ethnography: Synthesizing qualitative studies* (Vol. 11). United States of America, Sage.
33. Noveck, B.S. (2011). Testimony of Dr. Beth S. Noveck before the Standing Committee on Access to Information, Privacy and Ethics of the Canadian Parliament. Retrieved from <http://cairns.typepad.com/blog/2011/03/testimony->

- before-the-standing-committee-on-access-to-information-privacy-and-ethics-of-the-canadian-.html#\_ftn1
34. Odongo, A. O., & Rono, G. C. (2016, March). Open Government Data as a Right for Effective Citizen Participation. In *Proceedings of the 9th International Conference on Theory and Practice of Electronic Governance* (pp. 365-366). ACM.
35. OECD (2009). *Integrity in Government: Towards Output and Outcome Measurement*. Retrieved from [http://www.oecd.org/officialdocuments/publicdisplaydocumentpdf/?doclanguage=en&cote=GOV/PGC/ETH\(2009\)4](http://www.oecd.org/officialdocuments/publicdisplaydocumentpdf/?doclanguage=en&cote=GOV/PGC/ETH(2009)4)
36. OECD (2012). *OECD Public Governance Reviews: Greece, Key recommendations*. Retrieved from <https://www.oecd.org/gov/49264931.pdf>
37. Parycek, P., Hocht, J., & Ginner, M. (2014). Open government data implementation evaluation. *Journal of theoretical and applied electronic commerce research*, 9(2), 80-99.
38. Rapp, M., Rhomberg, M., Koch, G., & White, K. (2016, September). A new path for the public sector: how to design a co-created strategy in higher education. In *International Conference on Electronic Participation* (pp. 29-40). Springer, Cham.
39. Reggi, L., & Dawes, S. (2016). Open government data ecosystems: Linking transparency for innovation with transparency for participation and accountability. In *International Conference on Electronic Government* (pp. 74-86). Springer, Cham.
40. Rogers, E. M. (2010). *Diffusion of innovations*. New York: the Free Press.
41. Ruijter, E. H., & Huff, R. F. (2016). Breaking through barriers: the impact of organizational culture on open government reform. *Transforming Government: People, Process and Policy*, 10(2), 335-350.
42. Ruppert, E. (2015). Doing the Transparent State: open government data as performance indicators.
43. SamGnanakkan, S. (2010). Mediating role of organizational commitment on HR practices and turnover intention among ICT professionals. *Journal of Management Research*, 10(1), 39.
44. Sandelowski, M., Barroso, J., & Voils, C. I. (2007). Using qualitative metasummary to synthesize qualitative and quantitative descriptive findings. *Research in nursing & health*, 30(1), 99-111.
45. Sandoval-Almazan, R. & Ramon Gil-Garcia, J. (2016). Toward an integrative assessment of opengovernment: Proposing conceptual lenses and practical components. *Journal of Organizational Computing and Electronic Commerce*, 26(1-2), 170-192.
46. Schmidhuber, L., Stütz, S., & Hilgers, D. (2019). Outcomes of open government. *International Journal of Public Sector Management*, 32(5), 438-456.
47. Shepherd, E. (2015). Freedom of information, right to access information, open data: who is at the table?. *The Round Table*, 104(6), 715-726.
48. Sirianni, C. (2009). *Investing in democracy: Engaging citizens in collaborative governance*. Washington, D.C.: Brookings Institution Press.
49. Straub, D., Boudreau, M. C., & Gefen, D. (2004). Validation guidelines for IS positivist research. *Communications of the Association for Information systems*, 13(1), 24.
50. Veljković, N., Bogdanović-Dinić, S., & Stoimenov, L. (2014). Benchmarking open government: An open data perspective. *Government Information Quarterly*, 31(2), 278-290.

51. Weinstein, J., & Goldstein, J. (2012). The Benefits of a Big Tent: Opening up Government in Developing Countries: A Response to Yu & Robinson's the New Ambiguity of Open Government. *UCLA L. Rev. Discourse*, 60, 38.
52. Wirtz, B. W., & Birkmeyer, S. (2015). Open Government: Origin, Development, and Conceptual Perspectives. *International Journal of Public Administration*, 38(5), 381-396.
53. WJP Open Government Index 2015 report, Retrieved August 2016 from [https://worldjusticeproject.org/sites/default/files/ogi\\_2015.pdf](https://worldjusticeproject.org/sites/default/files/ogi_2015.pdf)
54. Wong, W., & Welch, E. (2004). Does E-government promote accountability? A comparative analysis of website openness and government accountability. *Governance: An International Journal of Policy, Administration, and Institutions*, 17(2), 275-297.
55. Yavuz, N., & Welch, E. W. (2014). Factors affecting openness of local government websites: Examining the differences across planning, finance and police departments. *Government Information Quarterly*, 31(4), 574-583.
56. Zuiderwijk, A., Janssen, M., & Dwivedi, Y. K. (2015). Acceptance and use predictors of open data technologies: Drawing upon the unified theory of acceptance and use of technology. *Government information quarterly*, 32(4), 429-440.

# A Model for Measuring the Willingness of Policy Makers to Open Government in Iran

Noushin Momen Kashani<sup>1</sup>, Farajollah Rahnavard<sup>2\*</sup>,  
Mahdi Mortazavi<sup>3</sup>, Mahmoud Shirazi<sup>4</sup>

1. Graduate PhD in Public Administration (Public Policy), Institute for Advanced Education and Research on Management and Planning (IMPS), Iran, Tehran.

2. Public administration, Institute for Advanced Education and Research on Management and Planning (IMPS), Iran, Tehran.

3. Industrial Management, Faculty of Management and Economics, Tarbiat Modarres University, Iran, Tehran.

4. Industrial Management, Faculty of Management and Accounting, Shahid Beheshti University, Iran, Tehran.

## Abstract

**Purpose:** Open government is expanding around the world as a policy to enhance transparency, participation and collaboration. Since the level of policy makers' willingness to open government is crucial for moving towards policy making of open government and development of those policies, the purpose of this paper is to provide a model for measuring policy makers' willingness of open government and examine the differences in the level of willingness in policy-makers' groups.

**Design/Methodology/Approach:** In this research, an exploratory mixed method has been used which in qualitative stage, synthesis method and in the quantitative stage, the survey and analysis of the data of the 116 policy makers' questionnaires has been applied.

**Research Findings:** "open government willingness" is a multidimensional construct, including the willingness of the policymaker towards transparency, citizen participation, collaboration, government accountability, and support for innovation and help business development. In addition, the results indicate that the level of policy makers' willingness to open government in Iran is high and the rate of willingness to open government among different age groups, status and levels of awareness of open government is different.

**Limitations & Consequences:** The impossibility of generalizing the research results to all communities and the inherent limitations of the questionnaire are among the limitations of the current study.

**Practical Consequences:** The need for an efficient, transparent, accountable, and participatory governance system cannot be denied. Given the challenges in the aforementioned issues in our country, this research will help to design a favorable model of open government for Iran and realize that values.

**Innovation or Value of the Article:** Open government and open data are new concepts, and research in these fields are scarce in Iran. Therefore, this research could initiate a new chapter in the production of science in the country in this field and fills the research gap by providing the aforementioned model as the first model in this field.

**Keywords:** public policy, open government, transparency, accountability, citizen participation.

---

Received: Agu. 21, 2019 , Accepted: Apr. 17, 2020.

\* Corresponding Author.

E-mail addresses: n.kashani@imps.ac.ir; f.rahnavard@imps.ac.ir; m.mortazavi@modares.ac.ir; m-shirazi@sbu.ac.ir

**Paper Type:** Research paper.